

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر
سال هشتم، شماره سوم، پیاپی (۲۶)، پاییز ۱۳۹۳
تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱
صص ۵۷-۸۰

نقش رسانه در بزهکاری کودکان و نوجوانان (مقایسه دو گروه مددجویان کانون اصلاح و تربیت و شهروندان غیرکانونی ۱۳-۱۸ ساله شهر شیراز)

حبیب احمدی^۱، زهرا البرزی^۲، یحیی حمدی^۳، صدیقه البرزی^۴، روح‌اله مظفری^۴

چکیده

بزهکاری نوجوانان با پیامدهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، روانی، جسمانی و غیره یکی از مسائل موجود در جامعه ماست. زیرا نوجوانان، آتیه سازان هر جامعه و پایه‌های اصلی خانواده در آینده هستند. بنابراین سلامت آنان از هر حیث موضوعی بسیار مهم تلقی می‌شود. با توجه به تأثیرات عمیق رسانه بر روی این قشر، مطالعه حاضر نیز نقش رسانه در بزهکاری کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار داده است. با روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه، اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل دو گروه

Ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شیراز

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران Yhamdi64@gmail.com

۴- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) alborzi254@gmail.com

مددجویان کانون اصلاح و تربیت شیراز و همچنین تعدادی از شهروندان غیر کانونی ۱۳-۱۸ سال شهر شیراز هستند. مددجویان، به تعداد ۵۵ نفر کل شماری و شهروندان غیر کانونی نیز به همین تعداد به صورت نمونه گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج نشان داد که میان میزان تأثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم، استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره، تماشای فیلم و سی‌دی و بزهکاری بر روی هر دو گروه رابطه معناداری وجود دارد. میان استفاده از اینترنت و میزان ترجیح فیلم‌های همراه با خشونت بزهکاری تنها درباره مددجویان رابطه، معنادار بوده و میان تماشای تلویزیون و استفاده علمی - خبری و بزهکاری در میان غیر کانونی‌ها رابطه معنادار وجود داشته است. میان میزان تماشای ماهواره و بزهکاری نیز رابطه معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، مددجویان، رسانه.

مقدمه

دوره نوجوانی از بحرانی‌ترین ادوار زندگی است. عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در بروز رفتارهای خاص دوره نوجوانی نقش دارد. بخاطر تحولات دوران بلوغ و تغییر در ارزش‌ها و یافتن هویت در این دوران، بزهکاری افزایش می‌یابد و در واقع بزهکاری نوجوان نشانه نوع سازش‌نیافتگی نوجوان با محیط اطرافش است (منصور، ۱۳۶۸). اندیشمندان اجتماعی تمامی افرادی را که مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند در یک رده مورد بررسی قرار نمی‌دهند، بلکه بر اساس ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنها از جمله سن، اقدام به تفکیک رفتارهای انحرافی می‌کنند. با معیار قرار دادن سن منحرفان، به رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، رفتار بزهکارانه می‌گویند (محمدی اصل، ۱۳۸۳). بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی - انسانی است که همه جوامع بشری از دیرباز با آن روبرو بوده‌اند. این امر به خصوص در قرن حاضر و به دنبال تحول پدیده‌های سنتی و ظهور مولفه‌های جدید در زیست انسانی، روند روبه-رشدی را دنبال کرده است. درباره علت افزایش بزهکاری در روزگار ما عقاید مختلفی ابراز شده است. پاره‌ای از محققین ازدیاد جرم و جنایت را در جهان امروزه از اختصاصات جوامع متمدن کنونی دانسته و معتقدند: به همان نسبتی که بشر چهار اسبه به سوی ترقی و تکامل

صنعتی و مادی پیش تاخته و از معنویت دور می‌شود به همان نسبت نیز تبهکاری؛ قانون شکنی؛ بزهکاری و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی؛ در جوامع صنعتی گسترش یافته و از سکون و آرامش معنوی در این گونه اجتماعات کاسته می‌گردد. (صلاحی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد یکی از این عوامل تأثیرگذار رسانه‌های ارتباط جمعی باشد.

یادگیری از طریق رسانه‌ها، از مهم‌ترین منابع برای یادگیری رفتارهای بزهکارانه تلقی می‌شود. این یادگیری نه تنها شامل رفتارهای بزهکارانه است، بلکه انگیزه‌ها و نگرش‌های ارتکاب به رفتارهای بزهکارانه را نیز شامل می‌شود. این مسأله گریبانگیر جامعه ما نیز است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که یکی از عوامل اصلی بروز خشونت و پرخاشگری در جامعه ایرانی، گسترش نمایش خشونت از تلویزیون و فراوانی نوارهای ویدئویی و سی‌دی‌های حاوی صحنه‌های کشتار و زدوخوردها و ماجراهای خونین و مرگبار است. حتی برخی از کارشناسان، وقوع قتل‌ها و کشتارهای زنجیره‌ای و نیز انحرافات اجتماعی دیگر از جمله اعتیاد، سرقت و راهزنی را به تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی و سینمایی مربوط می‌دانند. (فاضل، ۱۳۸۲).

امروزه رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در رفتار جوانان و نوجوانان و تغییر رفتار اجتماعی آنان دارای نقش مهمی است. روی آوردن نوجوانان به استفاده بیش از حد از رسانه‌های صوتی و تصویری، امری است که بر هیچ کس پوشیده نیست. این در حالی است که محصولات رایانه‌ای، فیلم‌ها و مجموعه‌های پخش شده از تلویزیون، مملو از صحنه‌های خشن توأم با بدآموزی هستند و به طور غیر مستقیم می‌توانند مروج بزه در بین نوجوانان باشند. در عصر حاضر شاهد پیشرفت روزافزون وسایل صوتی و تصویری و سرگرمی‌های رایانه‌ای هستیم که مصادیق بارز آن را رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و... تشکیل می‌دهند. این در حالی است که این وسایل از تمام پتانسیل‌های موجود خود مانند رنگ، صوت، موسیقی و... کمک می‌گیرند تا بر جنبه نمایشی خود بیفزایند و در مرحله اول افراد را به استفاده هر چه بیشتر از این محصولات راغب کنند و سپس تاثیرات نامحسوس خود را بر فرد تحمیل کنند. روانشناسان بر این عقیده‌اند که درک بچه‌ها از تلویزیون با درک و احساس بزرگسالان متفاوت است. بنابراین چه بسا موجب انحراف فکری

آنان شود؛ زیرا تلویزیون با آنان می‌فهماند خشونت آسان‌ترین راه حل بسیاری از مشکلات است که هم شخصیت‌های مثبت آن را به کار می‌گیرند و هم شخصیت‌های منفی و همیشه پایان خوشی دارد. جای نگرانی دارد که این وابستگی به خشونت، در زندگی آینده کودکان باعث می‌شود در درون خود، خشونت را مهیج، جذاب و واقعی بپندارند (ودووی، ۱۳۸۶). علاقه شدید گروه‌های سنی مختلف بویژه کودکان و نوجوانان به استفاده از این گونه محصولات، به قدری است که هم در سطح خانواده‌ها تنش‌های گوناگونی را موجب شده و هم در سطح جامعه معضلاتی را در پی داشته است. این در حالی است که گروهی از دانشمندان معتقدند بسیاری از فیلم‌ها، چه تلویزیونی و چه سینمایی، آشکارا موجب تحریک و تشویق افراد به بزهکاری می‌شوند، مرزبندی‌های ملی و اعتقادی را می‌شکنند و برای همه مخاطبان محصولاتی یک شکل و یکسان فراهم می‌آورند که به یکسان شدن سلیق افراد و حتی کم‌رنگ شدن ارزش‌های جامعه می‌انجامد. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل خودجوش در جهت کنترل افراد و کاهش بزه در جامعه هستند. اما نمایش روزمره صحنه‌های بدآموز و نابهنجار مانند قتل، دزدی و خشونت در فیلم‌ها، افراد را با این صحنه‌ها آشنا می‌کند و با تکرار چنین صحنه‌هایی، از قبح و بار منفی آن در ذهن مخاطبان می‌کاهد، چنانکه دیگر مانند گذشته، از شنیدن خبر رخدادهای فاجعه‌آمیز در سطح جامعه متاثر نمی‌شوند و رفته‌رفته حساسیت جامعه نسبت به این گونه موضوعات کم‌رنگ می‌شود (حبیب‌زاده و قاسمی، ۱۳۸۸). باید توجه داشت که رسانه‌ها همانند چاقوی دولبه عمل می‌کنند؛ در عین حال که می‌توانند موجب افزایش بزهکاری افراد شوند، در صورت استفاده از برنامه‌های صحیح و مناسب برای فرد می‌توانند زمینه‌های لازم جهت پیشگیری از وقوع جرم و بزهکاری را در سطح جامعه مهیا نمایند. با توجه به این مسایل، سوال اصلی این پژوهش این است که رسانه‌ها، بخصوص تلویزیون و ماهواره چه رابطه‌ای با بزهکاری نوجوانان دارند؟ و چگونه می‌توانند در جهت پیشگیری از بزهکاری تاثیر گذار باشند؟ در سال‌های اخیر، در کشورهای مختلف و بویژه ایران، پژوهش‌ها و تالیفات متعددی در مورد تاثیر وسایل ارتباط جمعی، بخصوص رسانه‌های صوتی و تصویری بر پرخاشگری و بزهکاری کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآمده است. اما در زمینه رابطه استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری، بویژه تلویزیون و

بزهکاری نوجوانان، آن هم با مقایسه دو جامعه آماری بزهکار و غیر بزهکار به ندرت پژوهشی انجام شده است.

درباره علل بزهکاری و افزایش آن در روزگار ما عقاید مختلفی ارائه شده و دولت‌ها و محققین بر آنند تا با یافتن علل به کاهش آمار بزهکاری دست یابند. زیرا بزهکاری جدا از اینکه مرتکبین بزه و جرم را از یک زندگی معمولی دور ساخته و به عبارتی دیگر به زندگی و آینده آنان خدشه وارد می‌کند، بلکه به کلیت جامعه نیز آسیب‌های بسیار جدی وارد ساخته و جامعه را با هزینه‌های زیادی جهت جبران خسارت مواجه می‌سازد. بنابراین تنها مرتکبان نیستند که از انجام بزه و جرم متضرر می‌شوند، بلکه پیامدهای منفی افزایش بزهکاری به بدنه جامعه و افراد دیگر آن اجتماع نیز زیان می‌رساند. بنابراین برای کنترل، پیشگیری و در نهایت کاهش جرم و بزه، لازم و ضروری است تا مطالعات علمی با مشخص کردن تعیین‌کننده‌های بزهکاری در این راستا به برنامه‌ریزان مدد رساند.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های اجتماعی، روانشناختی و حقوقی مرتبط با بزهکاری در جامعه ما سابقه طولانی دارد، اما در سال‌های اخیر مطالعات بیشتری حول تأثیرات رسانه بر بزهکاری انجام شده است. نصیری مغانلو و کمالی در سال ۱۳۹۱ به بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر میزان بزهکاری در اردبیل پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که میان برنامه‌های سیمای سراسری، استانی، رادیو، کتاب و میزان بزهکاری رابطه‌ی معکوس وجود دارد و هرچه استفاده از این رسانه‌ها بیشتر شود میزان بزهکاری پیرو آن کمتر خواهد شد. همچنین میان رسانه‌های ماهواره و اینترنت و میزان بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد و با افزایش استفاده از ماهواره و اینترنت میزان بزهکاری نیز افزایش خواهد یافت. رسانه‌های سینما و روزنامه و مجلات نیز رابطه‌ای با میزان بزهکاری نشان ندادند (نصیری مغانلو و کمالی، ۱۳۹۱). زمانی در سال ۱۳۹۱ نقش ماهواره بر نظم اجتماعی را مورد بررسی قرار داد که یافته‌ها نشان داد که یافته‌های تحقیق نشان داده که تماشای ماهواره موجب تضعیف هویت ملی و کاهش رعایت شعائر مذهبی به عنوان مولفه‌های ایجابی نظم اجتماعی است، اما تماشای ماهواره، بر جهان وطنی فرهنگی اثر مثبت داشته که

تسهیل کننده نظم نوین جهانی است (زمانی، ۱۳۹۱). رابطه سازگاری اجتماعی با تماشای ماهواره در شهر تهران نیز در سال ۱۳۹۱ توسط هاشمی مورد مطالعه قرار گرفت که در این مطالعه نیز مشاهده شد که میزان سازگاری اجتماعی نوجوانان خانواده‌های دارای ماهواره ضعیف تر از نوجوانان خانواده‌های فاقد ماهواره است. همچنین نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که در رعایت قالب‌های اجتماعی و روابط درون خانوادگی، بین نوجوانان استفاده کننده از ماهواره و نوجوانان فاقد ماهواره تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که استفاده از ماهواره در خانواده، با سازگاری اجتماعی دختران و پسران نوجوان رابطه منفی دارد (هاشمی، ۱۳۹۱). حبیب‌زاده و قاسمی در سال ۱۳۸۸ رابطه استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری با بزهکاری نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ را بررسی کردند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین وسایل صوتی - تصویری (تلویزیون، ماهواره، اینترنت، نوار و سی‌دی و سینما) بین میزان استفاده نوجوانان بزهکار و غیربزهکار از تلویزیون و ماهواره تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما بین میزان استفاده از اینترنت بین نوجوانان بزهکار و غیربزهکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد به این ترتیب که نوجوانان بزهکار کمتر از نوجوانان غیربزهکار از اینترنت استفاده می‌کنند. به طور کلی استفاده طولانی مدت از تلویزیون، عدم استفاده از اینترنت، استفاده زیاد روزانه از فیلم‌های ویدیویی و سی‌دی احتمال بروز بزهکاری در نوجوانان را افزایش می‌دهد (حبیب‌زاده و قاسمی، ۱۳۸۸).

هولتز و اپل (۲۰۱۱) استفاده از اینترنت و بازی‌های ویدئویی در پیش‌بینی اختلال رفتار در اوایل نوجوانی را بررسی کردند. مطالعه شامل ۲۰۵ نوجوانان ۱۰-۱۴ سال انجام شد. افرادی که رفتار بالینی مربوطه مشکل را نشان داد با توجه به مقیاس مشکل از گزارش خود جوانان شناسایی شد. بازی آنلاین، استفاده از اینترنت ارتباطی، و بازی اول شخص اکشن، مشکلات رفتاری برونی (پرخاشگری، بزهکاری) را پیش‌بینی کرد. بازی آنلاین و ایفای نقش در بازیها مشکلات رفتاری درونی (اضطراب و...) را پیش‌بینی کرد. همچنین ارتباط پدر و مادر و فرزند در مورد فعالیتهای اینترنتی منفی با اختلال رفتاری رابطه داشت. پاتریک و همکاران (۲۰۰۹) اشکال مختلف استفاده از اینترنت و افسردگی و اضطراب اجتماعی را مورد مطالعه خود قرار دادند. داده‌های پرسشنامه از ۳۰۷ دختر نوجوان هلندی (سن متوسط ۱۵ سال) میانه در دو موج با

فاصله یک سال جمع آوری شدند. نتایج نشان داد که برای جوانان و نوجوانان که درک کیفیت دوستی کم، استفاده از اینترنت برای مقاصد ارتباطی پیش بینی افسردگی کمتر داشته، در حالی که استفاده از اینترنت برای مقاصد غیرارتباطی پیش بینی افسردگی و اضطراب اجتماعی بیشتر داشته است.

فونک و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی و تعیین روابط میان زندگی واقعی و خشونت رسانه‌ای پرداختند. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۵۰ نفر از دانش آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان می‌باشند. تجزیه و تحلیل رگرسیون در این تحقیق نشان داد که تنها قرار گرفتن در معرض بازیهای ویدیویی خشن با یکدلی پایین تر همراه است. همچنین هر دو بازیهای ویدیویی و فیلم ویدیویی خشونت آمیز، با انحرافات بالاتر و بیشتری همراه بوده است. پژوهش هیملویت، اوپنهایم و وینسه در خصوص اثرات خشونت بر کودکان ۱۰-۱۱ ساله و ۱۳-۱۴ ساله که بعضی از آنها در خانه تلویزیون داشته‌اند و بعضی فاقد آن بوده‌اند، نشان از اثر ناچیز تلویزیون بر خشونت کودکان دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، هر قدر هوش کودک بیشتر باشد، کمتر تلویزیون تماشا می‌کند. در سنین ۱۳ و ۱۴ سالگی، کنترل والدین بیشتر از سطح اجتماعی - اقتصادی خانواده بر رفتار کودک در این مورد موثر است (کازنو، ۱۳۷۳).

فروضیات تحقیق

- بین میزان تماشای تلویزیون و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان تماشای ماهواره و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از اینترنت و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان تماشای فیلم و سی‌دی و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده علمی، خبری ورزشی از ماهواره و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان ترجیح فیلم‌های همراه با خشونت و بزهکاری رابطه وجود دارد.
- بین میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و بزهکاری رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

انتخاب یک روش تحقیق بستگی به شرایطی از جمله: سؤالها و هدف هر تحقیق، تواناییهای شخص محقق و امکانات او، شرایط مورد مطالعه و محدودیت‌های آن دارد. در این تحقیق ابتدا با روش کتابخانه‌ای اطلاعات و نظریات مورد نظر جمع‌آوری و سپس با روش کمی و تکنیک پیمایش اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شده است. در ارتباط با اهداف مورد نظر، جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل دو گروه مددجویان کانون اصلاح و تربیت شیراز و همچنین تعدادی از شهروندان غیر کانونی ۱۳-۱۸ سال شهر شیراز هستند. در این تحقیق برای مددجویان کانون اصلاح و تربیت کل شماری شده است. یعنی تمامی افراد حاضر در کانون پاسخگویان این تحقیق را شامل شده‌اند و برای شهروندان غیر کانونی از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. به این صورت که ابتدا شهر شیراز به چند منطقه تقسیم شد، سپس متناسب با حجم نمونه تعدادی پرسشنامه در هر منطقه تکمیل شد. به دلیل تعداد کم مددجویان حاضر در کانون به تمامی آنها پرسشنامه داده شد. در زمان انجام تحقیق تعداد کل آنها ۵۵ نفر بود که پس از بررسی پرسشنامه‌های تکمیل شده، ۴۷ پرسشنامه قابلیت تحلیل را داشت. تعداد ۵۵ پرسشنامه نیز به غیر کانونی‌ها داده شد که ۴۳ پرسشنامه قابلیت تحلیل را داشت و مابقی کنار گذاشته شدند. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق مراجعه‌ی مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارایه پرسشنامه به آنها، انجام شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله آماره‌های موجود در نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

چارچوب نظری تحقیق

رسانه‌های جمعی (از مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون گرفته تا بازیهای رایانه‌ای، لوح‌های فشرده موسیقی، دی‌وی‌دی، اینترنت، و شبکه‌های ماهواره‌ای) ابزاری هستند که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام‌ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۱). از نظر مک‌لوهان رسانه، همان پیام است. به عقیده وی، وسیله، رسانه نه تنها از محتوای پیام خود جدا نیست، بلکه به مراتب مهم‌تر از خود پیام نیز هست و بر آن تأثیری چشمگیر دارد. رسانه‌های جمعی، بویژه رسانه‌های تصویری نظیر سینما و تلویزیون، تأثیراتی

مستقیم و سریع بر رفتار جوانان دارند. به اعتقاد ساترلند جوانان در فرایند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. در سالهای اخیر، تأثیر نمایشهای مداوم خشونت تلویزیونی بر بزهکاری جوانان در کانون بحث جامعه‌شناسی انحرافات و روان‌شناسی اجتماعی قرار گرفته است: برای مثال نتایج پژوهشهای انجام شده بیانگر آن است که خشونت رسانه‌ها گرایش به رفتار خشونت آمیز را در بین جوانان افزایش داده است. جوانانی که در معرض تماشای فیلمهای خشونت آمیز و سکسی قرار می‌گیرند، در یک فرایند همانند سازی با بازیگران فیلم‌ها رفتار بزهکارانه را از طریق پیوستگی با رسانه‌ها یاد می‌گیرند. رفتارهایی که رسانه‌ها به تصویر می‌کشند بر چگونگی رفتار مخاطبان اثر می‌گذارد. به علاوه هنگامی که بازیگران فیلم‌ها و سریال‌های خشن در رسانه‌های تصویری به عنوان گروه‌های مرجع جوانان عمل می‌کنند، جوانان از بزهکاری ملایم نظیر تخریب اموال مدرسه به سمت بزهکاری شدید نظیر ضرب و جرح گرایش می‌یابند، به این معنی که با تقلید از بازیگران فیلمهای خشن پلیسی، ابزارها و روشهای قدیمی‌تر رفتار خشونت آمیز را کنار گذاشته و ابزارها و روش‌های جدیدتری که بازیگران فیلم به کار می‌برند، استفاده می‌کنند. استفاده از اسلحه در بین جوانان امریکایی به جای کاربرد برای قتل در فرایند همانندسازی و تقلید از رسانه‌ها شکل گرفته است. چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریه کاشت (که تأکید بر تأثیر رسانه بر رفتارهای افراد دارد) و نظریه یادگیری اجتماعی باندورا است که در زیر به طور خلاصه به آن پرداخته‌ایم (دادگران، ۱۳۸۲).

نظریه کاشت

نظریه کاشت به عنوان یکی از پرکاربردترین نظریه‌های مربوط به اثرات رسانه‌های ارتباط جمعی، بهتر از هر نظریه‌ای اثرات تکنولوژی رسانه‌ای بر جامعه و تحولات آن را نشان می‌دهد. این نظریه محصول دو دهه فعالیت پژوهشی گروهی به سرپرستی جورج گربنر بر روی وسایل ارتباط جمعی به طور عام و تلویزیون به طور خاص است. گربنر بر این باور است که تلویزیون در میان رسانه‌های مدرن چنان جایگاه محوری در زندگی روزمره ما پیدا کرده که محیط

نمادین آن و پیام‌هایش در مورد واقعیت، جای تجربه شخصی و سایر وسایل شناخت جهان را گرفته است. گرنبر با تمرکز مطالعات خود بر شهروندانی که میزان تماشای تلویزیون در میان آنها بالاست و مقایسه آن با افرادی که کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند، چنین نتیجه گرفت که از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملاً دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی‌ها را به انحصار در آورده و یک کاسه می‌کند. اثر این مواجهه با پیام‌های مشابه چیزی را تولید می‌کند که گرنبر آن را یا آموزش جهان بینی رایج، نقش‌ها و ارزش‌های رایج می‌خواند. نقدهایی که به مرور بر نظریه کاشت جرج گرنبر وارد شد او را واداشت که با دست زدن به اصلاح نظریه خود دو مفهوم بنیادی "متداول سازی" و "تشدید" را به آن اضافه کند.

متداول سازی: تماشای زیاد تلویزیون موجب می‌شود بینندگان عقاید مشابه، یکسان یا نزدیک به هم پیدا کنند حتی اگر از لحاظ وضع اقتصادی و تربیت خانوادگی به یک سطح اجتماعی تعلق نداشته باشند. حال آنکه افرادی که کمتر تلویزیون می‌بینند، عقاید مختلف و متفاوتی دارند. به عنوان مثال بینندگان پرمصرف در هر دو طبقه پردرآمد و کم درآمد، در این زمینه اشتراک نظر دارند که ترس از جنایت یک مشکل جدی است اما در حالی که بینندگان پرمصرف و پردرآمد این نظریه را که ترس یک مشکل شخصی و جدی است قبول ندارند، بینندگان کم مصرف و کم درآمد با این نظریه موافقت (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴).

تشدید: هر چه محیط زندگی واقعی بینندگان شباهت بیشتر و نزدیکتر به وضعیتی داشته باشد که از تلویزیون نمایش داده می‌شود، اثرات تشدید بیشتر می‌شود و به این ترتیب بینندگان به سمتی می‌روند که پاسخ‌های واقعی آنان بر پایه ذهنیات شکل گرفته از تلویزیون باشد. به عبارتی در صورتی که مشابه و مصداق جرم و جنایتی که از تلویزیون پخش می‌شود، در محیط زندگی واقعی تماشاگر اتفاق بیافتد، اثرات کاشت، شدت می‌یابد (گرنبر، ۱۹۹۴). از جمله منتقدین گرنبر، به هیرش می‌توان اشاره کرد. او عقیده دارد که رابطه آشکار بین محتوای نمایش داده شده از تلویزیون و ترس از جنایت می‌تواند از طریق توجه به میزان امنیت محیط زندگی بینندگان، قابل توجیه باشد. یعنی برعکس کسانی که در محیط‌های امن زندگی می‌کنند، کسانی که در محیط‌های آکنده از جرم و جنایت سکونت دارند به دلیل ناامن بودن محیط اطرافشان بیشتر سعی می‌کنند در خانه‌هایشان بمانند و به همین دلیل نیز بیشتر تلویزیون

می‌بینند. در واقع این افراد نه تحت تأثیر تماشای برنامه‌های تلویزیونی بلکه تحت تأثیر محیط نا امن اطراف خود احساس ترس و وحشت می‌کنند. وی نشان داد در صورتی که متغیرهای دیگر نیز کنترل شوند، متغیر باقی مانده‌های که بتوان آن را به تلویزیون نسبت داد بسیار کم خواهد بود.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف تصویری که گرنبر از مخاطبان تلویزیون ارائه داده است، بینندگان لزوماً آنچه را می‌بینند به عنوان واقعیت نمی‌پذیرند. تحت تأثیر هر عاملی، بیننده ممکن است تفسیر خاص خود را از آنچه در تلویزیون می‌بیند، ارائه دهد. در این زمینه عواملی که مورد توجه بود عبارتند از: سن، جنس، نژاد، پایگاه اجتماعی، تعلیم و تربیت، محرک‌های مختلف اجتماعی بینندگان و پیش فرض‌ها و پیش زمینه‌های آنان، تجربیات مستقیم شخصی، تأثیر سایر رسانه‌ها، واقع‌گرایی متصور در مورد محتوای تلویزیون و قصد تماشا (شرام و همکاران، ۱۳۷۷).

نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه در اصل در سال ۱۹۴۰ مطرح شد تا پدیده تقلید رفتار حیوانات و انسانها را توضیح دهد. در اوایل ۱۹۶۰ آلبرت باندورا تلاش برای تکامل این نظریه را آغاز نمود. زیرا احساس می‌کرد که نظریه‌های شرطی سازی توضیح ناقصی از رفتار را ارائه می‌کنند و اثرات اجتماعی بر هر رفتار فرد را در نظر نمی‌گیرند و بر یادگیری حیوان و انسان در موقعیتهای فردی تأکید دارند. اگر چه نظریه شناخت اجتماعی عناصر مکانیکی و ارگانیکی رفتار را در نظر می‌گیرد، اما یک نظریه کاملاً موقعیتی است. زیرا رفتار را در تعامل فرد با محیط توضیح می‌دهد (پینتریچ و شونک، ۲۰۰۲). نظریه شناخت اجتماعی بر اجتماعی کردن افراد تأکید دارد: این که چگونه فرد به وسیله تجربیات، روابط خانوادگی، گروه همسالان، معلمان، اعتقادات مذهبی، نقش‌های معتبر و دیگر عوامل اجتماعی کردن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این نظریه تلاش می‌کند تا توضیح دهد که مردم چگونه فکر می‌کنند و چه عواملی رفتارشان را تعیین می‌نماید. طبق این نظریه باید گفت که در رفتار انسان عوامل شناختی یا شخصی (دانش، انتظارات و نگرش)، تاثیرات محیطی (هنجارهای اجتماعی و...) و رفتار (مهارت‌ها، تمرین،

خودکارآمدی) با یکدیگر در تعامل هستند (باندورا، ۲۰۰۱).

از این دیدگاه اشخاص نه به وسیله نیروهای درونی خود به سمت رفتاری سوق داده می‌شوند و نه به طور خودکار توسط محرکهای بیرونی. مطابق با مدل ارائه شده توسط باندورا جهت تأثیر بین سه عامل رفتار، عوامل شخصی و محیط یکسان نیست، بلکه غالباً یک یا دو عامل بر عوامل دیگر غلبه می‌کنند (پیتتریچ و شونک، ۲۰۰۲). در این نظریه نیز به مفهوم "خودکارآمدی" توجه شده است. خودکارآمدی عبارت است از برداشت افراد از تواناییهایشان برای سازماندهی و انجام سطوح اعمال مورد نیاز برای فعالیتی خاص (باندورا، ۱۹۸۶). خودکارآمدی بر انتخاب فعالیتها، تلاش و کوشش افراد جهت تحقق تأثیر می‌گذارد. یعنی یک فرد باید به توانایی اش در انجام یک رفتار اعتقاد داشته باشد، باید انگیزه و تمایل برای انجام آن داشته باشد و برای نتایج آن رفتار ارزش قائل شود. این نتایج ممکن است در برگیرنده فواید آنی باشد، یا فواید طولانی مدت را دربرگیرد (باندورا، ۲۰۰۱). این نظریه برای توجیه رفتارهای اجتماعی نوجوانان مناسب است. زیرا به رابطه دانش، مهارتها، نگرشها، روابط شخصی و تأثیرات محیطی با رفتار افراد تأکید کرده است. بنابراین با توجه به نظریه شناخت اجتماعی، می‌توان گفت که افراد، با توجه به آگاهی و نگرش خود، احساس توانایی انجام رفتارهای اجتماعی مورد نظر و هنجارهای اجتماعی آموخته شده در روابط اجتماعی و شخصی عمل می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه افراد حاضر در کانون اصلاح و تربیت شهر شیراز و تعدادی از شهروندان شیرازی که در کانون حضور نداشته‌اند بوده است. میانگین سنی افراد در این تحقیق ۱۶/۲ سال است. تحصیلات اکثر پاسخگویان دبیرستان و بیشتر آنها محصل بوده‌اند. بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به استفاده ۱ تا ۳ ساعت در روز از تلویزیون، ماهواره و فیلم بوده و در مورد اینترنت ۳۸ درصد بیان داشته‌اند که اصلاً استفاده نمی‌کنند. در ارتباط با استفاده خبری و علمی از تلویزیون اکثریت پاسخگویان در حد کم و در ارتباط با استفاده تفریحی اکثر در حد متوسط استفاده می‌کنند. همچنین بیش از نیمی از پاسخگویان استفاده

کمی از برنامه‌های خبری ماهواره داشته‌اند اما نزدیک به نیمی از آنها بیان کرده‌اند که در حد متوسط از برنامه‌های تفریحی ماهواره استفاده می‌کنند. اکثریت پاسخگویان در حد متوسط فیلم‌های همراه با خشونت ترجیح می‌دهند و نیمی از آنها تاثیرپذیری کمی از شخصیت‌های منفی فیلم داشته‌اند. در زمینه تمایل به بزهکاری بیش از نیمی از پاسخگویان تمایل کمی به رفتارهای بزهکارانه داشته‌اند و ۷۸ درصد نیز در حد کم به رفتارهای بزهکارانه خشونت‌آمیز تمایل داشته‌اند. همچنین ۸۲ درصد از پاسخگویان به مصرف و فروش مواد تمایل کمی نشان داده‌اند. یافته‌های استنباطی تحقیق به صورت زیر مشاهده شد:

فرضیه اول- میان تماشای تلویزیون و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱- ضریب همبستگی بین میزان تماشای تلویزیون و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۰	-۰/۵۲۷	۴۳	غیر کانونی
۰/۱۳۹	-۰/۲۱۹	۴۷	کانونی
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۷	۹۰	کل

در جدول شماره ۱- به منظور بررسی رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان گروه غیر کانونی همبستگی متوسطی ($r = -0/527$) بین میزان تماشای تلویزیون و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت منفی ضریب همبستگی بیانگر رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش تماشای تلویزیون در بین افراد غیر کانونی رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. همچنین در میان کل افراد همبستگی متوسطی ($r = -0/397$) بین میزان تماشای تلویزیون و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت منفی ضریب همبستگی بیانگر رابطه معکوس بین این دو متغیر می‌باشد، یعنی با افزایش تماشای تلویزیون در بین پاسخگویان رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا

این فرضیه تایید می‌شود. اما در بین افراد کانونی سطح معناداری $0/139$ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد، لذا این فرضیه تایید نمی‌شود. فرضیه دوم - میان میزان تماشای ماهواره و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲- ضریب همبستگی بین میزان تماشای ماهواره و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۴۲۸	۰/۱۲۴	۴۳	غیر کانونی
۰/۰۸۴	۰/۲۵۴	۴۷	کانونی
۰/۰۹۳	۰/۱۷۸	۹۰	کل

در جدول شماره ۲- به منظور بررسی رابطه بین میزان تماشای ماهواره و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. سطح معناداری هر سه گروه نشان می‌دهد رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر معنی‌دار نیست، لذا هیچ کدام از فرضیات تایید نمی‌شود.

فرضیه سوم - میان استفاده از اینترنت و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳- ضریب همبستگی بین میزان استفاده از اینترنت و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۸۸۰	-۰/۰۲۴	۴۳	غیر کانونی
۰/۰۳۲	۰/۳۱۳	۴۷	کانونی
۰/۷۱۹	۰/۰۳۸	۹۰	کل

در جدول شماره ۳- به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده از اینترنت و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان افراد کانونی همبستگی متوسطی ($r = 0/313$) بین میزان استفاده از اینترنت و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مثبت بین

این دو متغیر می‌باشد، یعنی با افزایش استفاده از اینترنت در بین پاسخگویان کانونی رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۳۲ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. سطح معناداری ۰/۸۸۰ برای افراد غیر کانونی و ۰/۷۱۹ برای کل افراد، نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد، لذا این دو فرضیه تایید نمی‌شود.

فرضیه چهارم- تماشای فیلم و سی‌دی و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴- ضریب همبستگی بین میزان تماشای فیلم و سی‌دی و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۴۷	۰/۳۰۴	۴۳	غیر کانونی
۰/۰۳۲	۰/۳۱۴	۴۷	کانونی
۰/۰۰۵	۰/۲۹۲	۹۰	کل

در جدول شماره ۴- به منظور بررسی رابطه بین میزان تماشای فیلم و سی‌دی و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان هر سه گروه غیر کانونی، کانونی و کل، همبستگی متوسطی بین میزان تماشای فیلم و سی‌دی و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مثبت بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش تماشای فیلم و سی‌دی در بین افراد هر سه گروه رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۴۷، ۰/۰۳۲ و ۰/۰۰۵ رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر معنی‌دار است، لذا هر سه فرضیه تایید می‌شود.

فرضیه پنجم- میان استفاده علمی، خبری و ورزشی از ماهواره و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵ - ضریب همبستگی بین میزان استفاده علمی، خبری و ورزشی از ماهواره و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۲۰	۰/۳۵۵	۴۳	غیر کانونی
۰/۷۲۱	-۰/۰۵۴	۴۷	کانونی
۰/۲۸۲	۰/۱۱۵	۹۰	کل

در جدول شماره ۵- به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده علمی، خبری و ورزشی از ماهواره و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان افراد غیر کانونی همبستگی متوسطی ($r = 0/355$) بین میزان استفاده علمی، خبری و ورزشی از ماهواره و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مثبت بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش استفاده علمی، خبری و ورزشی از ماهواره در بین پاسخگویان غیر کانونی رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۲۰ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. سطح معناداری ۰/۷۲۱ برای افراد کانونی و ۰/۲۸۲ برای کل افراد، نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد، لذا این دو فرضیه تایید نمی‌شود.

فرضیه ششم- میان استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۶- ضریب همبستگی بین میزان استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۸	۰/۳۹۹	۴۳	غیر کانونی
۰/۰۲۲	۰/۳۳۳	۴۷	کانونی
۰/۰۰۰	۰/۳۸۶	۹۰	کل

در جدول شماره ۶- به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان هر سه گروه غیر کانونی، کانونی و کل، همبستگی متوسطی بین میزان استفاده خبری از ماهواره و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مثبت بین این دو متغیر می باشد، یعنی با افزایش استفاده تفریحی و سرگرمی از ماهواره در بین افراد هر سه گروه رفتارهای بزهکارانه افزایش می یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۸، ۰/۰۲۲ و ۰/۰۰۰ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی دار است، لذا هر سه فرضیه تایید می شود.

فرضیه هفتم- میان میزان ترجیح فیلم های همراه با خشونت و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۷- ضریب همبستگی بین میزان ترجیح فیلم های همراه با خشونت و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۵۸۷	۰/۰۸۵	۴۳	غیر کانونی
۰/۰۰۹	۰/۳۷۹	۴۷	کانونی
۰/۰۳۳	۰/۲۲۵	۹۰	کل

در جدول شماره ۷- به منظور بررسی رابطه بین میزان ترجیح فیلم های همراه با خشونت و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج، در میان گروه کانونی همبستگی متوسطی ($r = 0/379$) بین میزان ترجیح فیلم های همراه با خشونت و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش ترجیح فیلم های همراه با خشونت در بین افراد کانونی رفتارهای بزهکارانه افزایش می یابد. با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۹ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، لذا این فرضیه

تایید می‌شود. همچنین در میان کل افراد، همبستگی ضعیفی ($r = 0/225$) بین میزان ترجیح فیلم‌های همراه با خشونت و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش ترجیح فیلم‌های همراه با خشونت در بین پاسخگویان رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری $0/033$ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح 95 درصد معنی دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. اما در بین افراد غیر کانونی سطح معناداری $0/587$ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد، لذا این فرضیه تایید نمی‌شود.

فرضیه هشتم - میان میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸- ضریب همبستگی بین میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و رفتار بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
0/094	0/259	43	غیر کانونی
0/003	0/426	47	کانونی
0/000	0/367	90	کل

در جدول شماره ۸- به منظور بررسی رابطه بین میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و رفتار بزهکارانه در سه گروه کانونی و غیر کانونی و کل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، در میان گروه کانونی همبستگی متوسطی ($r = 0/426$) بین میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم در بین افراد کانونی رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری $0/003$ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح 99 درصد معنی دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. همچنین در میان کل افراد، همبستگی متوسطی ($r = 0/367$) بین

میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و رفتار بزهکارانه وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم بین این دو متغیر است، یعنی با افزایش تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم در بین پاسخگویان رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری $0/000$ رابطه‌ی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح 99 درصد معنی‌دار است، لذا این فرضیه تایید می‌شود. اما در بین افراد غیر کانونی سطح معناداری $0/094$ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد، لذا این فرضیه تایید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

رسانه، هم در مفهوم عام و هم در معنای خاص آن در جامعه امروز یک ضرورت است و بالاتر از آن یک نیاز محسوب می‌گردد. نیاز به مراتب مهمتر از ضرورت است. نیاز آنی است که اگر نباشد، رفتار انسان را مختل می‌کند و از سوی دیگر مهمترین ویژگی جامعه امروز، تراکم است؛ همانند تراکم در جمعیت، تراکم در ثروت، تراکم در مسکن، تراکم در الگوهای رفتاری و....، فشردگی این عناصر، باعث تراکم در ارتباطات انسانی اجتماع شده، لذا توجه به کارکردهای رسانه‌ها را افزون نموده است. از آنجایی که این ابزار می‌تواند محتوایی معنوی و یا آداب و رسوم اجتماعی را منتقل نماید و بدین واسطه جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، ضرورتاً باید از جامعیتی در تفکر و نگرش برخوردار باشد. لذا رسانه‌ها باید با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فرهنگ جامعه، پدیده‌های نامناسب را شناسایی نمود و به منظور پیشگیری از اشاعه آن با توجه به مبانی و اصول فرهنگ جامعه، پیامهای مناسب را اشاعه نمایند تا حتی موجبات تخریب و یا انحراف جنبه‌های دیگر فرهنگ نگردند. بدین سبب ضروری است به کارکردهای پنهان و آشکار پیام‌های خود هم توجه نمایند و این امر میسر نمی‌گردد، مگر رسانه‌ها هم به توان پژوهشی و تحقیقی مناسب مجهز گردند.

هر روزه در کنار ما جرایم متعددی به وقوع می‌پیوندد و با ورق زدن روزنامه‌ها در صفحه حوادث با بزهکاری‌های متعددی مواجه می‌شویم: چاقو کشی، ضرب و جرح، کیف‌قاپی، دزدی، تجاوز و.... افزایش این نوع بزهکاری‌ها جدا از اینکه زندگی گروهی از تعدادی از نوجوانان جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد پیامدهای منفی دیگری از جمله از بین بردن احساس

امنیت اجتماعی در میان مردم جامعه دارد. بنابراین ضروری است تا سازمان‌های مربوطه در صدد کنترل این جرایم و تا حد امکان پیشگیری از آن برآیند. برای حل این مسأله ضروری است تا مطالعات علمی دقیقی به بررسی و کشف عوامل موثر بر وقوع بزهکاری بپردازد. در این میان با توجه به حضور عمیق رسانه‌های جمعی در زندگی افراد و تاثیر آن در بسیاری از رفتارهای آنان، ما در این تحقیق، ارتباط رسانه‌های جمعی از قبیل تلویزیون، ماهواره، اینترنت و فیلم را با بزهکاری بررسی کرده‌ایم، تا بتوان با ارایه نتایج حاصله راهکارهایی جهت پیشگیری از بزهکاری را ارایه دهیم.

بر اساس یافته‌های این تحقیق تماشای تلویزیون داخلی روی تمایل به رفتارهای بزهکارانه تاثیر عکس داشته است. یعنی با افزایش تماشای تلویزیون، تمایل به رفتارهای بزهکارانه کاهش یافته است. به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون تا حدی توانسته‌اند این نوع از رفتارهای بزهکارانه را تعدیل نمایند. یکی از دلایل این امر را می‌توان به همسو بودن تلویزیون با ساختارهای فرهنگی جامعه بیان نمود و اینکه شاید برنامه‌های تلویزیون داخلی زمینه‌های لازم برای تمایل فرد را به رفتارهای بزهکارانه فراهم نیاورده باشد. در زمینه ارتباط استفاده از ماهواره و بزهکاری افراد، در کل مشاهده می‌شود هر چه استفاده از ماهواره افزایش یافته است، بزهکاری نیز در افراد بیشتر شده است. واقعیت است که ماهواره همچون دیگر ابزار بشری می‌تواند به آرمان‌های تعالی بخش انسان‌ها و جوامع خدمت یا خیانت کند؛ زیرا قابلیت برنامه‌های ماهواره‌ای به گونه‌ای است که به یک اندازه می‌توان از آنها بهره‌برداری مطلوب یا نامطلوب کرد. با وجود اینکه برنامه‌های ماهواره‌ای محتوای علمی و آموزنده نیز دارند، امروزه بیشتر جوانان ماهواره را برای استفاده از برنامه‌های علمی آن انتخاب نمی‌کنند و بیشتر تمایل به دیدن برنامه‌هایی دارند که آنها را در برنامه‌های داخل کشور نمی‌یابند و در واقع به خاطر برنامه‌هایی که محتوای منفی آنها بیشتر است، از ماهواره استفاده می‌کنند که زمینه انحراف و سقوط اخلاقی در این برنامه‌ها برای قشر جوان بسیار زیاد است در نتیجه می‌تواند زمینه را برای بزهکاری افراد مهیا سازد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اینترنت تاثیر چندانی بر روی بزهکاری افراد نداشته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تماشای فیلم‌ها و سی‌دی‌ها ارتباط مثبتی بر روی بزهکاری افراد

داشته است. شاید بتوان یکی از دلایل مهم ارتباط فیلم‌ها بر بزهکاری نوجوانان را، دسترسی ساده به این فیلم‌ها چه از راه قانونی یا غیرقانونی دانست. همچنین تماشای اینگونه فیلم‌ها نیاز به امکانات زیادی ندارد و در اکثر خانه‌ها این امکانات فراهم است. این شرایط می‌تواند دلیلی برای بزهکاری افراد به شمار آید. فرضیه دیگر این تحقیق ارتباط بین میزان ترجیح فیلم‌های همراه با خشونت و بزهکاری است. بسیاری از فیلم‌ها موجب تحریک و تشویق افراد به بزهکاری می‌شوند، مرزبندی‌های ملی و اعتقادی را می‌شکنند و برای همه مخاطبان، محصولات یک شکل و یکسانی فراهم می‌آورند که به یکسان شدن سلیقه افراد و حتی کم‌رنگ شدن ارزش‌ها در جامعه می‌انجامد. همچنین دلیل اصلی اولویت علاقه نوجوانان بزهکار به فیلم‌های ویدیویی را می‌توان گنجاندن هیجان، احساس شور و شادی و صحنه‌های تحریک‌آمیز در برنامه‌های آنها دانست. ضمن آنکه نوجوانان برای دسترسی به این رسانه‌ها از قدرت و امکان بیشتری برخوردار هستند. یکی از مهمترین فرضیات این تحقیق ارتباط بین میزان تاثیرپذیری از شخصیت‌های منفی فیلم و بزهکاری است که همبستگی نسبتاً قوی و مثبتی با یکدیگر داشته‌اند. در واقع باید بیان شود که تاثیرپذیری از شخصیت‌های فیلم حلقه واسط بین تماشای فیلم و بزهکاری است. چون فیلم در صورتی می‌تواند زمینه بزهکاری نوجوان را فراهم آورد که وی تحت تاثیر آنها قرار گیرد. طبق نظریه یادگیری اجتماعی یکی از شیوه‌های اساسی یادگیری، مشاهده رفتار دیگران است. بنابراین همانطوری که رفتارهای اجتماعی از طریق مشاهده یاد گرفته می‌شوند، رفتارهای ضد اجتماعی نیز از همین شیوه قابل آموختن هستند.

بر اساس نتایج این تحقیق همبستگی بین تلویزیون داخلی و بزهکاری معکوس بوده، یعنی با افزایش تماشای تلویزیون داخلی، انجام رفتارهای بزهکارانه کاهش یافته است. لذا مسئولین صدا و سیما می‌توانند برنامه‌های مفید علمی، تربیتی، اجتماعی، آموزشی و سرگرمی بیشتری را برای کودکان و نوجوانان تولید و یا از سایر کشورها خریداری کنند، به طوری که منطبق با فرهنگ کشور باشد تا به این طریق بتوانند تلویزیون داخلی را به عنوان جایگزین مناسب و مفید به جای ماهواره در بین خانواده‌ها رواج دهند. در پایان پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های مربوطه علیرغم استفاده از دستاوردهای پژوهش‌های علمی در این زمینه، بستر را فراهم کرده و از

پروژه‌های تحقیقاتی در این حوزه حمایت کنند تا در برنامه ریزی‌ها و سیاست‌ها از نتایج آن استفاده شود.

منابع

- ۱- حبيب زاده ملكى، اصحاب و قاسمى، محمد، رابطه بين استفاده از رسانه‌هاى صوتى - تصويرى و بزهكارى نوجوانان، فصلنامه پژوهش ارتباطى، سال شانزدهم، شماره ۲، پياپى ۱۳۸۸، ۵۸.
- ۲- دادگران، سيدمحمد، مبانى ارتباطات جمعى، تهران: انتشارات فيروزه، ۱۳۸۲.
- ۳- زمانى، طوبى. (۱۳۹۱). بررسى نقش ماهواره بر نظم اجتماعى و هويت مى افراد فصلنامه نظم و امنيت انتظامى، شماره ۱۹، ص ۱۰۷.
- ۴- ستوده، هدايت الله (۱۳۸۱) آسيب شناسى اجتماعى (جامعه شناسى انحرافات). تهران، انتشارات آواى نور، چاپ دوازدهم.
- ۵- سورين، ورنر و تانكارد، جيمز. (۱۳۸۴). نظريه‌هاى ارتباطات. ترجمه عليرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شرام، ويلير. لایل، جك. پاركر، ادوين بى. (۱۳۷۷). تلویزیون در زندگى کودکان ما. ترجمه محمود حقيقت كاشانى. تهران: مركز تحقيقات صدا و سيما.
- ۷- صلاحى، جاويد. بزهكارى اطفال و نوجوانان. (۱۳۸۸). چاپ ششم. بنياد حقوقى ميزان
- ۸- صلاحى، جاويد. (۱۳۸۷). بزهكارى اطفال و نوجوانان. ميزان. شماره دهم. ص ۱۷.
- ۹- كازنو، ژان (۱۳۷۳) جامعه شناسى وسايل ارتباط جمعى، ترجمه باقر ساروخانى و منوچهر محسنى، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- ۱۰- فاضل، رضا. ۱۳۸۲. رسانه و بزهكارى. مجله اصلاح و تربيت سال دهم شماره ۱۱۵ ص ۱۶.
- ۱۱- محمدى اصل، عباس (۱۳۸۳). فصلنامه مطالعات جوانان، نشر سازمان جوانان، شماره ۶ صص ۵۹-۱۰۱
- ۱۲- منصور، محمود (۱۳۶۸). بزهكارى کودکان و نوجوانان. تهران: تابش.

- ۱۳- نصیری مغاللو، مراد و کمالی، بهنام. ۱۳۹۱. بررسی تاثیر رسانه‌های جمعی بر میزان بزهکاری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۵، ص ۲۵.
- ۱۴- ودووی، الهه (۱۳۸۶) آثار منفی تلویزیون بر سلامت کودکان، پژوهش و سنجش، شماره ۱۴.
- ۱۵- هاشمی، شهناز (۱۳۹۱). مطالعه موردی رابطه سازگاری اجتماعی و نگرش سیاسی اجتماعی نوجوانان با تماشای ماهواره در شهر تهران فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۷۲، ص ۱۵۱.
- 16- Bandura, A.(2001). *social cognitive theory: An agentive perspective Review of psychology*,52, 1-26.
- 17- Bandura, A. Cervone, D.(1986). *Diffrentional engagement of self- reactive influences in cognitive motivation*. Organizational Behaviour and Human Decision Processes. P.30
- 18- Gerbner, George & et all(1994). Cultivation Theory; Cultural Indicators Project. Retrieved from; <http://nimbus.Temple.Edu/ggerbner/cihtml>.
- 19- Jeanne B Funk Heidi Bechtoldt Baldacci, Tracie Pasold, Jennifer Baumgardner. (2004). *Violence exposure in real-life, video games, television, movies, and the internet: is there desensitization?* Journal of Adolescence. V 27.Issue 1.p 23-39.
- 20- Patrick, Shawn. Beckenbach, john. (2009) Male Percep ons of Intimacy: A Qualitative study, the journal of menis studies, Vol. 17,No. 1.
- 21- Peter Holtz' , Markus Appel. (2011).Internet use and video gaming predict problem behavior in early adolescence.. Journal of Adolescence. V 34.Issue 1. p 49-58.

